

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۸ نومبر ۲۰۱۱

آیا قربانی اندازه دارد؟؟

هموطنان گرانمایه ما در جمله میلیونها مردمی که مسلمان اند در این روزها از روزهای عید قربان عربی سخن گفته و در عمل با خوش و بش نمودن با همدیگر و فامیلها و دوستان این روزها را می گذرانند و از قربانی نیز سخن به میان می آورند.

بلی یکی از بر جستگی های این عید همانا پیروی نمودن از داستان و افسانه خیالی ابراهیم و تصمیم قربان نمودن فرزندش به نام اسماعیل می باشد که تا امروز مسلمانان جهان حیوانی را برای ارج گزاری به آن روز و عمل انجام نشده ابراهیم ذبح نموده و با این عمل می خواهند به دیگران بفهمانند که اوشان پیرو این سنت قدیمی که بعداً محمد آن را در قرآن گنجانیده و رفتن حج را که قربانی نمودن یک حیوان جزء مراسم آن می باشد از جمله فرایض اسلامی خوانده است ، می باشند.

در این نوشته کوتاه روشن ساختن صحیح و یا غلط بودن این رسم و رواج مطرح نبوده تنها به این اکتفاء می دارم که در جریان یک سال گناهان عمدی زیر نام اسلام و مرتکب شدن ده ها و یا صد ها جنایت، فکر نمی کنم با ذبح اسلامی یک حیوان بیچاره جبران شده عفو را به ارمغان آرد عکس آن می تواند زمینه هموار سازی گناهان دیگر باشد!

اگر بیطرفانه و دور از عینک های تعصب و خادم بودن به اجنبیان به این فرایض نگاه شود به یقین متوجه خواهیم شد که در طول تاریخ ۱۴۰۰ سال، مردم ما خود مال و زندگی های مادی و معنوی خود را قربان نمودند. در دفاع از خاک، نوامیس ملی، فرهنگ اصیل و اخلاقیات انسانی همه چیز شان را آگاهانه و با خرد و شعور انسانی قربانی نموده اند تا باشد آنچه را پاکیزگی و افتخار یک ملت می توان به حساب آورد از چنگال تعرض و حملات وحشیانه متجاوزان و جهان کشایان مخصوصاً اعراب بدوی و وحشی مصون نگهدارند و سر مشقی باشند برای نسل های آینده این مرز و بوم!

اما نسل های بعدی نا آگاهانه و بدون فهم از اصل آنچه در مغز شان تزریق شده با خوش باوری قربانی شدند. این ملت با همت و شجاع طی هزاران سال از موجودیت تاریخی خویش در مقابل همه انواع تجاوز ، قربانی داد اما

در مقابل وسوسه های شیطانی اعراب و کمک چند دلال اجنبی پرست و نوکر شیخک های عربی چنان افسون شد که نه تنها از مبارزه علیه شان دست کشید بلکه در انبساط و تسلط این اندیشه های زهری نا خود آگاه سهمی هم گرفت و هنوز هم در سم پاشی باور های خواب آور و کشنده از هیچ نوع تلاش و جدیت نا آگاهانه بر حسب عادت دریغ نمی دارند و این نا آگاهی از محتویات و آموزش های دینی را، آگاهانه پذیرفته و مایل به فهم و دانش پیرامون آنچه می پرستند و آنچه باور دارند نیستند و در این راستا همان ملا گک های خود روی، جانین تحصیل کرده اسلامی، وطن فروشان خیانت پیشه، پولهای بی شمار مصرفی کشور های اسلامی مثل پاکستان، عربستان و ایران و تربیه افسونگران جدید از قشر های تحصیل کرده رول مهم داشته و دارد.

ولی ای هموطن صادقانه بگو! آیا این قربانی ها پایانی هم دارد یا نه؟؟ از افسانه خیالی ابراهیم و اسماعیل قربانی ناشده مردم تجلیل می دارند ولی من و تو که هزاران سال است قربانی منافع اجانب هستیم، کسی خبر نیست؛ حتی خود ما یعنی من و تو آگاهی نداریم و یا هم نمی خواهیم بفهمیم!

من و توئی که خود لحظه به لحظه، سال تا سال، قرن تا قرن در زیر پاهای شتر و شتر چرانان عرب چندین بار به خاک تبدیل شدیم ما که نیزه های چنگیز، علاءالدین، تفنگ های انگلیس، تانک های شوروی و طیارات بم افکن اضافه تر از ۴۶ کشور سینه های ما را شگافته، بدن های ما را پارچه پارچه ساخته و امروز در چهار راهی بی عدالتی زمین و آسمان با چند بچه قد و نیم قد با شکم گرسنه در روی زمینی که نه سقف دارد و نه فرش به امید صبحی که کمتر روزنه روشنی در آن دیده می شود، نشسته ایم؛ از خود چرا نمی پرسیم:

تا به کی؟؟ آخر قربانی اندازه دارد یا نه؟؟

هموطن!

من و تو که روزگاری در گلشن محبت انسانی باهم سخن می گفتیم و نوای عدلیان حقیقت پرداز را گواه می گرفتیم بهار ما خزانی نداشت. نه از کینه و کدورت چیزی می فهمیدیم و نه غمی نا فهم و مرموز قلب ما را می فشرد من و تو که دست به دست هم داده و جلو تاراج گران می ایستادیم و از نوامیس خود و شرف و عزت خود به دفاع بر می خاستیم، چی شد یک باره زبون شدیم؟؟ همه چیز را فراموش کردیم؟؟ دلهای ما روشنی انسانی خود را از دست داد و سیاهی و بد بینی در آن جای گرفت؟؟ و شدیم بیگانه پرست و دشمن همدیگر؟؟

در ژرفای قرون جهل و نادانی در حالی که سایه شوم و نکبت بار فریب و خدعه بیگانگان بر سر ما سایه افکنده بود و ما را مجبور ساختند تا به اسلام (مفتخر) و پا در جای پای شیطان بگذاریم!؟ گذاشتیم همه چیز، دار و ندار ما را ببرند و بردند. یعنی چپاول نمودند... به ناموس من و تو تجاوز نمودند... مادران و خواهران ما را کنیز گرفتند و به کشور خود شان بردند تا حرمسرای اسلام سرایان و خلفای اسلامی از کنیز خالی نماند و هر آنچه خود لازم دیدند به نام دین اسلام عمل کردند و من و تو قربانی شان بودیم و هستیم... چرا بی تفاوت تماشا نمودیم؟؟

مثل این که چیزی از ما نذر دیده اند... و ما چیزی را از دست نداده ایم..... تماشا گر با لبان متبسم و افتخار این که مسلمان شدیم تماشاگر ماندیم؛ در همین اوضاع وطن با خاک یکسان شد... همه کشته شدند.... ما ناکام و دیده در راه بازگشت عزیزان باقی ماندیم تا در گورستان گمنامی مثل کالبد های بی احساس و تقلید کننده حیات به سر ببریم، مگر چنین نیست؟؟